

هو الله

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



هو الله

جناب غوغای عشق، نامه دوستی بر مخزن نیستی وارد شد و معانی روحانی آن مسرت تازه و فرح بی اندازه بخشید. معلوم است دوستان معنوی که در آشیان الهی وطن دارند، باید از خاک در گذرند و از افلاک بگذرند، قدم از تراب بردارند و در ساحت قدس رب الارباب گذارند. این اصحاب را هیچ سدی حایل نشود و هیچ مغیری تغییر ندهد. از نحر عشق مدهوشند و از جام شوق بیپوش. مست جمال لایزالند و محو زلال بی مثال. و ظاهر ایشان اگر نار جلوه نماید، باطن ایشان به نور دلالت می کند. عالم الفاظ ایشان را از مراتب بلند معنی منع نکند و حجاب مجاز از مواقع حقیقت محجوب نسازد. به پر توکل پرواز نمایند و به جناح عزّ توحید در هوای قدس تجرید سیر کنند. وانگهی حرکت عوالم تفرید به قلب راجع است و قلب پاک لطیف را بی باکی در لسان و بیان کثیف ننماید.

« ما درون را بنگریم و حال را ما برون را ننگریم و قال را »

بر خود آن جناب معلوم است که این اصحاب معروف چه قدر امورات مکروه را مرتکب هستند. در وادی نفس سالکند و در بادیۀ غفلت ماشی. به هوی سخن می گویند و در تیه ضلالت سلوک نمایند.

ای غوغای عشق، سخن جان را به گوش جان بشنو تا در سبیل جانان جان و دل در بازی و در کوی دوست سراندازی. تا بی سر سرافرازی و بی دل بخروشی و بیخمر بجوشی و بی لسان به سروش آبی و از این گلخن ظاهری به گلشن های عزّ الهی میل فرمایی.



ORIGINAL



AUDIO

ای بلبل، به باغ دل جا گیر و بر شاخ گل مقرر گزین. ای هدهد، به مدینه سبا باز گردد. ای یوسف، از سجن تن بدرآ. ای خلیل، از نار نفس بگذر و به فاران عشق وارد شو. تا در این ظلمت ایام مثل نور برافروزی و کمر خدمت بر بندی و به جان و دل طوف مدینه گل نمائی. این است ثمر وجود.

إِذَا فَاَنْشَقَّ رَائِحَةَ الْمَعَانِي مِنْ قُصْرِ الْمَعْنَوِي لِتَجِدَ رَوَائِحَ الْبِقَاءِ عَنْ يَمِينِ الْوَفَاءِ وَ تَكُونَ مِنَ الْمَقْدَسِينَ فِي أُمَّ
الْكِتَابِ مِنْ قَلَمِ الْقُدْرَةِ عَلَى لَوْحِ الْعِزَّةِ بِالْحَقِّ مَكْتُوبًا. وَ التَّكْبِيرُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الَّذِينَ تَتَّبِعُونَكَ فِي أَمْرِ مَوْلَاكَ
وَ كَانُوا مِنَ الْمُحْسِنِينَ فِي اللَّوْحِ مَسْطُورًا. 152